

همیشه با خط شکن ها بود

اکبر رحیمی

رزمنده لشکر ۸ نجف

حاج احمد در عملیات بیت المقدس بعد از مرحله اول با اینکه مجروح شده بود، با سرباندپیچی برای انجام مرحله دوم عملیات سخنرانی کرد و این مثال را زد که اگر با یک انگشت یا دو انگشت بخواهی به کسی ضربه بزنی نه تنها فایده ندارد بلکه دست خودمان ضربه می خورد. ولی اگر انگشتان با هم جمع شدند آن موقع آنها به‌صورت مشت اثر گذارند. ما باید تمام نیروهایمان از تمام لشکرها با هم به‌صورت یک مشت گره کرده باشیم تا بتوانیم به دشمن ضربه وارد کنیم. ایشان برای تمامی نیروهایش احترام خاصی قائل بود، بویژه برادران کوچک‌تر؛ مثلاً قبل از «الفجر دو» در پایگاه شهید مدنی یک وقتی می‌خواستند از نگهدیانی رد شوند اول سلام می‌کردند و حال نیرو را می‌پرسیدند و بعد هم کارت مخصوص عبور را نشان می‌دادند و هیچ موقع نمی‌گفتند فرمانده‌ام و لزومی ندارد کارت عبور نشان بدهم. در اکثر اوقات در عملیات همراه نیروهای خط شکن بودند و در «خبیر» با اینکه یک انگشتشان قطع شده بود هرگز سنگر را رها نکردند و برای درمان به عقب نرفتند بلکه برای جلوگیری از عفونت، انگشت را در لیوان آب نمک می‌کردند. از خدا می‌خواهم که مردم بویژه جوانان این شهیدان را یاد نیند. خداوند روح حاج احمد که به او در جبهه احمد می‌گفتند و حاج حسین خرازی و سلیمانی و باکری‌ها و همت و... و همه شهدا را با امام حسین (ع) و یارانش محشور گرداند.

در تاریخ ۶ مرداد ۱۳۷۴ مقر حزب دموکرات کردستان در خاک عراق را محاصره کند و در نهایت توافقنامه سیاسی- نظامی را با رهبران کردهای ایران و گاه کوه سنجد، با محوریت ممانعت از مبارزه مسلحانه و روی آوردن به فعالیت‌های سیاسی امضا کرد. پس از امضای این توافقنامه، شورای عالی امنیت ملی وضعیت منطقه کردستان را عادی اعلام کرد.

فرمانده نیروی هوایی سپاه

کاظمی در ۲۷ آذر ۱۳۷۶ به‌عنوان فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) معرفی شد و پس از آن در ۹ تیر ماه ۱۳۷۹ به سمت فرماندهی نیروی هوایی سپاه منصوب شد. در دوران فرماندهی نیروی هوایی، کاظمی اقدامات مؤثری نسبت به ارتقای سطح کیفی نیروی هوایی از جهت سازمان و ساختار انجام داد و برای نخستین بار نیروی هوایی سپاه را مجهز به هواپیمای جت پشتیبانی نزدیک سوخو ۲۵ نمود و سازمان هلیکوپتری سپاه را با خرید بالگردهای میل ۱۷ تجهیز کرد. وی همچنین در این سمت با واحد موشکی هوافضای سپاه پاسداران نیز ارتباط داشت و حسن طهرانی مقدم را در توسعه پروژه‌های ساخت موشک‌های بالستیک همراهی می‌کرد.

فرمانده نیروی زمینی سپاه

کاظمی در ۲۹ مرداد ۱۳۸۴ از سوی مقام معظم رهبری، به فرماندهی نیروی زمینی سپاه منصوب شد و در ۱۹ دی سال ۱۳۸۴ در ساحت‌ه هوایی سقوط هواپیمای داسو فالکن ۲۰ در نزدیکی ارومیه به به‌شهادت رسید. به گفته فرمانده وقت سپاه پاسداران، در نشست خبری ۱۹ دی ۱۳۸۴ علت سقوط هواپیمای، از کار افتادن دو موتور آن اعلام شد. پیگردی بنا به وصیتش در جوار شهید حسین خرازی، در گلستان شهدا در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

در پایان نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی از اثر که حاصل بررسی‌های انجام‌شده در فصول مختلف است به‌همراه صورت‌بندی اولیه‌ای از نظریه قدرت متعالی ارائه شده است.

۴۲۶ گزارش از وقایع جنگ ایران و عراق را در «موشک باران تهران؛ تدارک عملیات در حلبچه» بخوانید

جلد دوم کتاب پنجاه و سوم از مجموعه بزرگ روزشمار جنگ ایران و عراق به

طریق آنها را نمی‌دادند. احمد کاظمی با درایت و شجاعت ستودنی بی‌محابا روی خاکریزها حاضر شده و با آربی-جی به شکار تانک‌های دشمن رفت و گورستانی از تانک‌های سوخته و نیمه سوخته بویژه در محور ایران گاز به‌وجود آمد که صحنه‌های آن پشت دشمن را به لرزه درآورد. بدین ترتیب چارچوب اولیه لشکر ۸ نجف در عملیات شکست حصر آبادان ریخته شد و بلافاصله بعد از این عملیات مراحل تکوینی آن آغاز شد.

در تکاپوی آزادسازی بستان

در عملیات طریق القدس یکی از مراحل دشوار آن آزادسازی بستان بود به‌همین دلیل سردار احمد کاظمی به‌دلیل تجربه جنگ در محاصره عراقی‌ها برای یکی از محورها در این جبهه انتخاب و وارد عمل شد. یگان تحت امر احمد کاظمی با انهدام ۲۲ تانک عراقی از توان رزمی دشمن کاسته و زمینه آزادسازی بستان را که برای دشمن از اهمیت حیاتی برخوردار بود تسهیل کرد.

عراق برای حفظ منطقه، یک ستون زرهی تازه نفس را در این محوریه میدان آورد و پاتک مشهور پل سابله را شکل داد و با فشار بر نیروهای خودی که بر اثر آن چندین فرمانده قدر جنگ ازجمله عبدالله بختیار، احمد زارع، قبادی نیا، کامرانی، حسنی و...

به شهادت رسیدند و فرماندهانی همچون قاسم سلیمانی نیز مجروح شدند. در چنین وضعیتی احمد کاظمی و نیروهای تحت امرش وارد صحنه نبرد شدند و ضمن پوشش خلأ های به‌وجود آمده و خود نیز در کنار نیروها با آربی-جی به شکار تانک پرداخت. با شکار چند دستگاه تانک دشمن عراقی وحشت کرده و با خیال اینکه نیروهای تازه نفس بسیاری به کمک مدافعان پل آمده‌اند واکنش نشان دادند و با نفیر، احمد کاظمی و سایر همراهان وی را دنبال کردند. با این اقدام یگان زرهی دشمن که خود را برای عملیات شبانه پنهان کرده بود لو رفت و آتشباری نیروهای خودی آنها را زمینگیر کرد. بدین ترتیب با تقویت آن محور تدبیر دشمن برای عبور از پل سابله و برگشتن ورق به نفع دشمن خنثی شد.

تشکیل تیپ نجف در آستانه عملیات فتح المبین

در آستانه عملیات فتح المبین تیپ ۸ نجف اشرف به فرماندهی سردار احمد کاظمی تشکیل شد و این در حالی بود که اصفهان برخلاف سایر استان‌ها دو یگان مستقل رزمی داشت و این نبود مگر به‌دلیل شایستگی‌های احمد کاظمی که می‌طلبید یگان دومی به اصفهانی‌ها تعلق گیرد. در عملیات فتح المبین یگان احمد کاظمی جهت تأمین اهداف عملیات در محور ارتفاعات میشداغ و تنگ قابیبه و ارتفاعات سمت چپ آن مأموریت یافت و با حمله به مواضع دشمن با دسته‌های ۶۰، نفره و انهدام زرهی دشمن نقش

شده است.

این اثر، که برگرفته از رساله دکترای مؤلف در رشته علوم سیاسی دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است، در شش فصل سازمان یافته است. فصل نخست، به مقدمه و کلیات پژوهش اختصاص دارد.

در فصل دوم، مفهوم اصلی این پژوهش یعنی قدرت تشریح شده است. در فصل سوم، شیوه رهبری امام خمینی (ره) در دوران دفاع مقدس مورد بررسی قرار گرفته



مشرف

مروری بر مجاهدت‌های شهید حاج احمد کاظمی فرمانده لشکر خط شکن نجف اشرف

فرمانده‌ای از میان مردم

اسماعیل علوی

دبیر گروه پایداری

جنگ تحمیلی ارتش بعث عراق علیه کشورمان را انتخابگانی از میان مردم به دفاع مقدس تبدیل کرده و حماسه و افتخار آفریدند تا آنجا که اگر جنگی رخ نمی‌داد همچنان گمنام باقی مانده و افرادی عادی بودند. این جوهره ملت ایران است که در بزرگ‌گاه‌هاغیور مردان جسوری را معرفی می‌کند که فراتر از توان و ظرفیت یک انسان عادی به ایفای نقش بپردازند. قهرمانانی که همیشه تاریخ بوده و هستند و در مواقع خطری دعوت واجبار، ناباورانه به میدان می‌آیند و سرنوشت کشور را با حضور مؤثر و کار ساز خود به گونه‌ای مطلوب رقم می‌زنند.

احمد کاظمی یکی از آن سرافرازانی است که از صف مردم عادی بیرون آمده و از ۱۸ سالگی قدم در راه حماسه آفرینی گذارد. در همه صحنه‌های انقلاب با هدف ظلم، ستمی و عدالتخواهی شرکت داشت. مدتی هم اسیر زندان‌های ساواک شد اما با پیروزی انقلاب رهایی یافت. بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب در راستای اهداف آرمانی خود به‌همراه شهید محمد منتظری به جنوب لبنان رفت تا از آلام مردم به ستوه آمده لبنان و فلسطین از ستم اسرائیلی‌ها بکاهد و کنار آنان با ظلم صهیونیست‌ها به مبارزه بپردازد. وی ابتدا وارد سوریه شد و در پادگان حموریه در اطراف دمشق، یک دوره آموزشی جنگ‌های نامنظم را به مدت ۴۵ روز زیر نظر سازمان الفتح طی کرد و بعد از آن به جنوب لبنان اعزام شد و در کتیبه‌های نظامی اطراف بیروت، که مربوط به سازمان الفتح بود، مستقر شد. اما با آغاز غائله کردستان به کشور برگشت و به کردستان

۵ اثر تازه از گنجینه ۸ سال دفاع مقدس

مرجان قندی

خبرنگار

دفاع مقدس گنجینه تمام نشدنی و ظرفیت عظیمی است که باید از آن برای ترویج فرهنگ ایشانر و شهادت در جامعه حداکثر بهره را برد. با گذشت سال‌ها از پایان جنگ تحمیلی همچنان جلوه‌های جدیدی از آن در کتاب‌ها و مجله‌ای می‌شود. آثاری که مخاطبان خاص خودش را دارد و با استقبال روبه‌رو است.

«از چیزی نمی‌ترسیدم» اثری برای شناختن مردی بزرگ

کتاب «از چیزی نمی‌ترسیدم»، زندگینامه خودنوشت شهید قاسم سلیمانی از کودکی تا ۲۲ سالگی اش در سال ۱۳۵۷ یعنی سال اوچگیری انقلاب اسلامی است. این کتاب تازه‌ترین اثری است که هم‌زمان با سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی از سوی انتشارات مکتب حاج قاسم در دو بخش نوشتار و دست‌نوشته در ۱۳۶ صفحه رونمایی و از ابتدای هفته پیش روانه بازار کتاب شده است.

این کتاب شرح زندگی حاج قاسم است که از دل روستای قنات ملک کرمان از چوپانی به جایگاه بلندی رسید. در صفحات مربوط به خاطرات ۱۰ سالگی سردار شهید سلیمانی در فرازی آمده است: «از همان ابتدای کودکی حالتی از نترسیدن داشتم.» عنوان کتاب از همین روحیه او که هم برای خودش و هم برای دیگران آشکار بود، انتخاب شده است. زینب سلیمانی دختر سردار شهید سلیمانی در معرفی این کتاب به مخاطبان گفته است: «دوست دارم آنان که سردار سلیمانی را تنها با لباس نظامی دیده‌اند، بدانند که او چگونه پرورش یافت. «از چیزی نمی‌ترسیدم»، آغاز رسالتی عظیم است برای شناختن مردی بزرگ.» ناشر کتاب در مقدمه آورده است که تاریخ این خودنوشت، چند سال قبل از شهادت حاج قاسم بوده است؛ یعنی در ربجوبه

مبارزه نفسگیر و طاقت فرسا و قهرمانانه مدافعان حرم به فرماندهی حاج قاسم با لشکر جزا و جبار داعش، این موضوع به یکی از ویژگی‌های شخصیتی نویسنده که آرامش روحی در سخت‌ترین شرایط و تمرکز کامل بود، برمی‌گردد.

این کتاب به بخش‌های مختلفی از زندگی سردار دل‌ها پرداخته که می‌توان به سرفصل‌هایی از جمله اطلاعاتی از تبار و خاندان و طایفه‌ای که شهید سلیمانی در آن متولد شد و رشد کرد، توصیف جغرافیایی و طبیعی منطقه زندگی اش، رابطه حاج

قاسم با مادر و پدرش و تاثیراتی که از آنها گرفت، احساس مسئولیتی که او از سن کم نسبت به مشکل اقتصادی پدر و تلاش برای مشارکت در رفع نگرانی خانواده داشت، آشنایی اش با آداب پهلوانی و ورزش باستانی در زورخانه، پیوستن به نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره)، فعالیت‌اش در مسجد جامع کرمان و در پایان ماجرای اوچ‌گیری نظاهرات و شهادت چند نفر از دوستانش اشاره کرد.

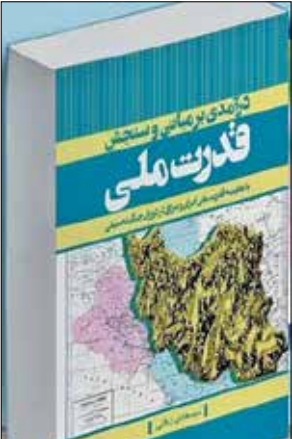
«گیل مانا»، روایت خاطرات سردار محمدعلی قزلبین

کتاب «گیل مانا» روایت خاطرات سردار محمدعلی قزلبین در دوران فرمانده گردان کمیل از لشکر ۱۶ قدس گیلان در دوران دفاع مقدس است که سیده نسا هاشمیان سیگارودی تحقیق و نگارش آن را برعهده داشته و اخیراً توسط نشر مرزبوم در سال ۱۳۹۹ منتشر شده است. این کتاب شامل ۱۰ فصل است که سردار قزلبین خاطرات خود را از آغاز جنگ شروع کرده و سپس به فضای ناامن کردستان و اقدامات در آن دوران، مأموریت‌های درون مرزی و عملیات‌های برون‌مرزی می‌پردازد. همچنین عملیات کربلای ۲، عملیات کربلای ۵، انتقال جبهه‌های جنگ از جنوب به غرب، عملیات والفجر ۱۰ فصول دیگر این کتاب است که سرشار از خاطرات

از تازه منتشر شده‌های انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است.

این کتاب دارای دو بخش است. در بخش اول کتاب مباحث نظری مرتبط با قدرت و قدرت ملی است و تلاش شده است تا تبیین دقیقی از ماهیت، انواع، ابعاد و کارکردهای قدرت صورت گیرد. همچنین نظریه‌ها و مدل‌های مربوط به ماهیت و سنجش قدرت ملی مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش دوم کتاب به مقایسه تطبیقی قدرت ملی ایران و عراق در دوره دفاع مقدس در ابعاد اقتصادی، سیاسی،



این دوره است. در موضوعات غیرنظامی، در این دوره رابطه ایران با شوروی بشدت تحت تأثیر آثار منشی ناشی از آغاز دوره چهارم جنگ شهرها قرار گرفت. ادامه مذاکرات ایران با دبیرکل سازمان ملل برای نهایی کردن طرح اجرایی دبیر کل در مورد ماجرای قطعه‌نامه ۵۹۸ و همچنین تلاش امریکایی و متحدین اروپایی آن بویژه انگلیس و فرانسه برای موافقت دیگر اعضای شورای امنیت با تحریم تسلیحاتی ایران به بهانه نپذیرفتن این قطعنامه از دیگر موضوعات سیاسی در این دوره است.

نویسنده‌ی بدالله ایزدی با عنوان «موشک باران تهران؛ تدارک عملیات در حلبچه (الفجر ۱۰)» کتاب دیگری است که به معرفی آن می‌پردازیم. این کتاب شامل ۴۲۶ گزارش وقایع جنگ ایران و عراق در دوره زمانی ۲۴ بهمن ۱۳۶۶ تا ۱۲ اسفند ۱۳۶۶ است. از مهم‌ترین وقایعی که در این دوره رخ داده می‌توان به آماده‌سازی دو جاده اصلی در منطقه عملیات والفجر ۱۰ و دو محور مریوان و نوسود و ارتفاعات مشرف بر سد دربندیکان و همزمان

والگویی به نام رهبری متعالی مطرح شده است. نویسنده‌ی یعقوب نعمتی وروحنی عنوان کتاب دیگری است که اخیراً توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شده است. در این پژوهش علاوه بر استخراج مؤلفه‌های شکل دهنده قدرت جمهوری تلاش شده است تا یک نظریه نوین و اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس جایگزینی بر مکتب موجود قدرت (اعم از سخت و نرم و هوشمند) تئوریزه، صورت‌بندی و معرفی شود که «نظریه قدرت متعالی» نامگذاری